

پیامدهای طرح انسداد مرز بر کارکرد مرزهای استان آذربایجان غربی

نام و نام خانوادگی: ناصر سلطانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

چکیده:

استان آذربایجان غربی با دارا بودن بیش از ۸۵۰ کیلومتر مرز مشترک با سه واحد سیاسی مستقل ترکیه، عراق و آذربایجان و دو واحد سیاسی خودمختار جمهوری نخجوان آذربایجان و کردستان عراق، دچار مسائل متعدد مرزی است که در این راستا، گسترش لجام گسیخته قاچاق و فعالیت گروه‌های اشرا و معارض، از جمله چالش‌های اساسی این بخش از سرزمین ایران است. از این‌رو، نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی در نخستین ماه‌های سال ۱۳۸۶، با فعال‌سازی هنگ‌های مرزی خود، اقدام به اجرای طرح تشدید اقدامات کنترلی (انسداد) در مرزهای استان کرد. در این‌باره پرسشی مطرح است؛ این که آیا اهداف پیش‌بینی شده در طرح انسداد مرزی، به‌ویژه کنترل روند روبه‌رشد قاچاق و چالش‌های امنیتی در خطوط و مناطق مرزی استان آذربایجان غربی محقق شده است؟

روش مطالعه، تلفیقی از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. در بخش‌هایی از پژوهش، به مستندات و داده‌های یگان‌های مرزبانی و انتظامی استان استناد شده است و در بخش‌هایی هم با حضور در منطقه مورد مطالعه، اقدام به گردآوری داده و اطلاعات مورد نیاز شده است. برای دست‌یابی به پاسخ آن پرسش، اقدام به بررسی اسناد و گزارش‌های موجود در هنگ‌های مرزی، دایره قاچاق کالا و ارز و... شد. از سوی دیگر، روش مشاهده و مصاحبه هم در برنامه کار قرار داشت. نتایج حاصل از مطالعات اسنادی و پیمایشی، حاکی از آن است که با اجرای طرح انسداد در مرزهای استان پس از گذشت چهار سال، تغییرات مثبت و محسوسی در روند رو به کاهش پدیده قاچاق و فعالیت گروه‌های اشرا و معارض قابل مشاهده است؛ اما با این وجود، مشکلاتی بر سر راه تداوم این طرح وجود دارد.

کلیدواژه‌ها:

مرز، طرح انسداد مرز، آذربایجان غربی



۱ - مقدمه

تا اواسط قرن بیستم، بیشتر مطالعات پژوهشگران در حوزه مرزها، تنها به دنبال کشف حقایق متمرکز بوده است که مهمترین اهداف آن، توصیف شکل‌های انسان‌ساخت مورد استفاده برای تحدید حدود مرزها، وقایع‌نگاری مکان‌ها و مناقشه‌های مربوط به اختلافات سرزمینی بوده است. همچنین تردیدی در این امر وجود ندارد که مرزها دارای تأثیر قابل توجهی بر سیمای اقتصادی و اجتماعی جوامع انسانی‌اند (۱۶-۷۹: Minghi, ۱۹۶۳b; ۱۶-۲۲: do Amaral, ۱۹۹۴)، چرا که این مسأله آشکارا باعث ایجاد الگوهای فضایی و مکانی متفاوتی در هر دو سوی مرز می‌شود. بنابراین، اگر چه مطالعات مرزی در گذشته معطوف به بررسی ساختارهای فیزیکی خطوط مرزی بودند، اما امروزه شاهد تمرکز بیشتر مطالعات مرزی بر روی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با تحولات مرزی هستیم. امروزه به‌وضوح شاهد گرایش بیشتر پژوهشگران در مطالعه مناطق مرزی هستیم، همچنان که محققان بر این باورند که مرزها با وجود تأثیرات کم‌و‌بیش خود، برای گروه‌های مختلف انسانی دارای معنا و مفهوم متفاوتی نیز هستند. در واقع، همان‌گونه که نایت^۱ تصریح می‌کند، اگر همه مناطق را به‌عنوان یک سازمان اجتماعی انسانی قبول داشته باشیم، پس باید مرزها و کشور را نیز به‌عنوان یک سازه اجتماعی تلقی کنیم: (Knight, ۱۹۹۴) (۸۵-۷۱). همچنین نایت معتقد است که سرزمین و مرزها تنها به‌واسطه سکونت در آن معنا نمی‌یابند، بلکه این باورها و عملکردهای انسانی هستند که معنا و مفهوم سرزمین‌بودن را به آن می‌بخشد: (Knight, ۱۹۸۲) (۵۱۷).

اما این سازه اجتماعی با گذر زمان و بر اساس مقتضیات حاکم بر جوامع محلی، پذیرای نقش‌های جدیدی می‌شود. به‌عنوان مثال، مبادلات کالا به کالا یا تهاتری دو سوی یک مرز سیاسی در گذشته نه‌چندان دور، امروزه با ورود اقتصاد بازار آزاد و سازوکارهای تجارت آزاد جهانی، تبدیل به مبادلات تجاری رقابتی و پیچیده شده است. بنابراین باید اذعان داشت که موضوع‌های مطرح در مطالعات مرزی، به‌عنوان عامل تأمین‌کننده امنیت خطوط و پسرانه‌های مرزی، از درجه اعتبار بالایی برخوردارند. ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی چون مذهب، قومیت، زبان و بافت اجتماعی، ویژگی‌های جغرافیایی مناطق مرزی مانند

۱-Knight

طول و نوع مرز، مجاورت با کانون‌های بحران، مناطق مرزی مورد اختلاف، وجود تأسیسات مهم در منطقه مرزی، جایگاه منطقه مرزی از حیث توسعه یافتگی در ابعاد مختلف و در نهایت، ویژگی‌های محیط بیرونی منطقه مرزی، از موارد قابل طرح و بررسی در محدوده خطوط و پسرکرانه‌های مرزی هستند. به‌عنوان مثال، در این ارتباط می‌توان به اثر گذاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات غالباً منفی مناطق مرزی کشورهای چون ایران و همسایگان آن اشاره داشت. استفاده ابزاری قدرت‌های غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا از مسأله کُرد [ها] در خاورمیانه، آنان را به حمایت‌های همه‌جانبه از گروه‌های قوم‌گرای کُرد و به‌ویژه شاخه‌های نظامی آنان واداشته است. تداوم فعالیت مسلحانه گروه پ. ک. ک. و پژاک در مناطق مرزی کردنشین ایران و ترکیه، بیشتر از آن که ناشی از قدرت ذاتی (سیاسی، نظامی، اقتصادی و...) این دو گروه باشد، ناشی از حمایت‌های نظامی و اطلاعاتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تحت فشار قرار دادن ایران و حتی ترکیه است (رفعت، ۱۳۸۶: بخش ۳).

بنابراین، یکی از مهمترین گزینه‌ها برای بررسی و مطالعه بیشتر تحولات استان‌های مرزی به‌ویژه استان آذربایجان غربی، شرایط خاص آن‌هاست. به‌عنوان مثال، همجواری استان آذربایجان غربی با دو واحد سیاسی مستقل (عراق و ترکیه) و دو واحد سیاسی خودمختار (نخجوان آذربایجان و کردستان عراق) از یک سو و ترکیب قومی این استان با دنباله‌های فرامرزی آن در کشورهای همسایه، آزمایشگاهی را در پیش روی هر پژوهشگری می‌گشاید که سرشار از موضوع‌هایی مهم برای پژوهش است. در چنین جامعه‌ای به‌ویژه در مناطق مرزی آن، با مسائل متعددی مواجه هستیم که به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- کوهستانی بودن و شرایط سخت طبیعی در این منطقه؛
- طولانی بودن مرز آن استان (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۵۳)؛
- برجستگی جایگاه چالش‌ها و تنش‌های قومی در پیشینه تاریخی این استان؛
- مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای همجوار به‌ویژه دو کشور ترکیه و عراق؛



- نبود تعادل در شاخص‌های توسعه استان آذربایجان غربی (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۲ و علینقی، ۱۳۷۸: ۱۵۴)؛
- مسیر ارتباطی ایران با اروپا و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از این ارتباط برای استان (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۷)؛
- و رواج گسترده بخش‌های مختلف اقتصاد غیررسمی.

در راستای کاهش پیامدهای منفی ناشی از مسائل مرزی استان آذربایجان غربی، در خرداد سال ۱۳۸۶، طرحی در چهارچوب طرح انسداد مرزی از سوی نیروی انتظامی و نهادهای وابسته پیشنهاد شد که از آغاز این طرح تاکنون، سه مرحله از آن در قالب نصر یک، دو و سه اجرا شده است. بیشترین اقدامات صورت گرفته در قالب این طرح سه مرحله‌ای، ایجاد موانع فیزیکی چون گاردریل، دیوار بتونی و احداث کانال در خلأهای موجود در مرزهای استان بوده است. تعیین منطقه ممنوعه سه کیلومتری و جلوگیری از هر گونه تردد افراد در این منطقه از دیگر اقدامات صورت گرفته است. برای نظارت بر آن منطقه و موانع احداثی، برجک‌ها و تأسیساتی در نظر گرفته شده است که به صورت مستقیم توسط نیروهای انتظامی یا به طور غیرمستقیم توسط ابزارهای الکترونیکی (مانند دوربین‌های حرارتی) کنترل و بازرینی مستمر شوند.

اگر چه از ظواهر امر چنین برمی آید که طرح انسداد مرزی از جمله طرح‌هایی با ماهیت صرفاً امنیتی است اما به اذعان مقامات مسئول، به موازات اقدامات فیزیکی، تلاش‌هایی برای وارد کردن جوامع مرزی به بخش‌های رسمی اقتصاد، جلب مشارکت‌های مردمی و افزایش آگاهی آنان صورت گرفته است و مسئولان بر این باورند که تا ۸۰ درصد موفق به کنترل مرز استان شده‌اند. اینک پس از گذشت نزدیک به چهار سال از اجرای این طرح، کندوکاو در پیامدها و نتایج آن اقدامات، بازنگری یا تغییر راهبردها در مدیریت مرزهای استان آذربایجان غربی را ضروری می‌نمایاند.

از آن جا که بررسی و مقایسه میزان موفقیت یا ناکارآمدی اجرای طرح انسداد مرزی در استان آذربایجان غربی در قبل و بعد از اجرای طرح مزبور از جمله اهداف اصلی این مطالعه است، مهمترین سؤالی که برای پژوهشگر پیش می‌آید این است که آیا اهداف

پیش‌بینی شده در طرح انسداد مرزی، به‌ویژه کنترل روند روبه‌رشد قاچاق و چالش‌های امنیتی در خطوط و مناطق مرزی استان آذربایجان غربی محقق شده است؟ از بررسی‌های مقدماتی چنین برمی‌آید که با توجه به بهبود برخی شاخص‌ها در کنترل و مدیریت مرزهای استان (مانند کاهش روند روبه‌رشد قاچاق و اعمال حاکمیت در مرزهای استان) پیامدهای مثبت اجرای طرح انسداد در خطوط مرزی استان آشکار است؛ اما با توجه به شاخص‌های مورد بررسی در مناطق و پسرکرانه‌های مرزی همچون رشد بی‌رویه بخش خدمات و توسعه بازارچه‌های مرزی، ابعاد منفی اجرای طرح انسداد نیز به چشم می‌خورد.

۲- روش تحقیق

روش مطالعه، تلفیقی از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. در بخش‌هایی از پژوهش، به مستندات و داده‌های موجود در مرزبانی و انتظامی استان استناد شده است و در بخش‌هایی هم با حضور در منطقه مورد مطالعه، اقدام به گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز شده است. بخش مطالعات میدانی، مبتنی بر مشاهدات نگارنده از اقدامات و فعالیت‌های هنگ‌های مرزی هفت گانه استان آذربایجان غربی (پلدشت، ماکو، خوی، سلماس، ارومیه، پیرانشهر و سردشت) در سال ۱۳۸۹ است. بخشی از یافته‌های این پژوهش، رجوع به گزارش‌ها و آمارهای موجود در فرماندهی انتظامی و مرزبانی استان است. به‌طور کلی، مقایسه نتایج اقدامات مشترک واحدهای ۲۴ گانه هنگ‌های مرزی و انتظامی استان در پیش و پس از اجرای طرح انسداد در خطوط و مناطق مرزی، از بخش‌های اصلی این مقاله خواهد بود.

۳- مبانی نظری

۳-۱- کارکردهای موز

هر چند که مرز به‌تنهایی یک نقش و کارکرد دارد و آن تعیین حدود منطقه‌ای است که داخل آن، یک نوع قدرت اعمال می‌شود، اما دولت‌ها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری را هم در منطقه اعمال کنند. درواقع، به محض این که یک منطقه مرزی یا خط مرزی به‌وجود آمد می‌تواند نه تنها چشم‌انداز طبیعی را که بخشی از آن به‌شمار می‌رود، بلکه بحران و سیاست-



های کشورهای مجاور را تحت تأثیر قرار دهد (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۱-۷۸). به طور کلی، مرزهای بین الملل در شکل دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان حکومت‌ها، نقش برجسته‌ای را بر عهده دارند. مرزها کنش مرزنشینان را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکوفایی و زوال شهرها و حوزه نفوذ آن‌ها در مجاورت مرز، بستگی به این دارد که خط مرزی، نقش‌های جدیدی را برای آن‌ها پدید آورد یا برعکس، حوزه طبیعی آن‌ها را برهم‌زند (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۴۲). برای مثال، تا سال ۱۹۳۹ که دستمزدها در فرانسه بالاتر از کشورهای همسایه بوده بسیاری از مرزنشینان بلژیک درصدد یافتن کاری در کارخانه‌های فرانسه برآمدند و بسیاری از کارخانه‌های فرانسه به خط مرزی نزدیکتر شدند. این امر باعث ایجاد شهرنشینی در نواحی مرزی دو کشور شد؛ شهرهایی همانند آرماتیر و تورکوان به دلیل این امر ایجاد شدند. برخی از پژوهشگران جدا از نقش تحدید حدود، کارکردهای متنوعی را برای مرز قایل هستند. حافظنیا برای مرز، پنج نقش و کارکرد برمی‌شمارد:

۱. جداکنندگی: مرزها میان دو نظام سیاسی، دو حاکمیت، دو فرهنگ و دو دولت جدایی می‌اندازند.
۲. یکپارچگی: مرزها سازنده چارچوب و فضا هستند و افراد ملت درون آن متحد و یکسان می‌شوند.
۳. تفاوت‌سازی: مرزها تجلی فضایی، فیزیکی، سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دو کشور را نشان می‌دهند.
۴. کشمکش: مرزها کانون برخورد دولت‌ها و ملت‌های رقیب و متخاصم مجاور یکدیگرند.
۵. ارتباط: مرزها کانون ارتباط ملت‌ها و دولت‌ها به صورت رسمی (گمرک) و غیررسمی (رخنه‌ها و منافذ) هستند (حافظنیا، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

۳-۲- مرزهای اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۳، مرزهای داخلی میان دوازده عضو جامعه اروپا - اتحادیه اروپا- برداشته شد تا مردم، کالاها، خدمات و سرمایه آزادانه حرکت کنند. در همان هنگام، تلاش‌هایی صورت گرفت تا مرزهای خارجی مشترک برای دشوارتر کردن ورود مهاجران و اقامت پناهجویان، تقویت شود (مویر، ۱۳۷۹: ۲۲۲). کالینسون بر این باور است که در آغازین سال‌های دهه ۱۹۹۰، بی‌ثباتی در مرزهای جنوبی و شرقی اروپا و افزایش شمار انسان‌هایی که در صدد پناهنده شدن به کشورهای اروپایی بودند، به‌نوعی مشکل در حال رشد در اروپای شرقی دامن زد تا تصورات فاجعه‌آمیزی از یک اروپای تحت محاصره را تداعی کند. سیاستمداران بلندپایه، در صدد ترسیم چشم‌اندازی از اروپا بودند که اروپا را قربانی محتمل نوعی تهدید خارجی در حال رشد نشان می‌داد که از این میان، بمب ساعتی جمعیتی آفریقای شمالی، جدی‌تر از همه عنوان می‌شد. چنین استدلال شد که جمعیت جوان این منطقه برای آرمان بلندپروازی‌های اقتصادی‌شان به اروپا چشم دوخته‌اند. این نوع نگرش‌ها، شالوده‌بحث‌ها و گفت‌وگوها در نشست‌های مخفی بوده است که هم‌اکنون توسط بروکرات‌ها (مقامات بلندپایه اروپایی) و وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا برگزار می‌شود که هدف از آن، تهیه نوعی سیاست مشترک در مورد مهاجرت به‌طور عام و در مورد پناهندگان به‌طور خاص بوده است (مارفلیت، ۱۳۸۰: ۸۵).

در همین ارتباط، در نوامبر ۱۹۹۵ میلادی قرارداد بارسلونا [میان کشورهای اتحادیه اروپا]، موسوم به کلودمد^۱ را منعقد ساختند. مفاد این قرارداد، کشورهای شمال آفریقا بود. قرار بر این شد که کشورهای عربی تعهد بدهند که روند مهاجرت به اروپا را کنترل کنند و اروپا نیز در مقابل درازمدت بودجه توسعه زیربنایی آنان را تأمین کند. این قرارداد، تلاشی بود برای بستن مرزهای ورودی اتحادیه اروپا بر روی مهاجران کشورهای عربی (مارفلیت، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶). کشورهای اروپایی نگران هستند؛ چرا که بازشدن مرزهای ملی را به منزله اجازه دادن به مهاجرت‌های غیرقانونی در سراسر اتحادیه تلقی می‌کنند. هر چند



که تعداد متقاضیان پناهندگی سیاسی در هر کشوری در مقایسه با جمعیتش و در مقایسه با شمار دیگر مهاجران نسبتاً پایین است، اما در همه کشورهای غربی از جمله اتحادیه اروپا، در رابطه با آنچه هجوم گسترده مهاجران بالقوه نامیده می‌شود، نگرانی سیاسی شدیدی وجود دارد (نش، ۱۳۸۰: ۲۳۹).

اتحادیه اروپا در حال حاضر در تلاش‌های خود به منظور جلوگیری از نزدیک شدن متقاضیان پناهندگی به مرزهای ورودی اروپا، به فراسوی مرزها نیز نظر افکنده است. به عنوان مثال، از کشورهای اروپای مرکزی درخواست شده است تا در مقابل موج متقاضیان پناهندگان سیاسی از شرق، مناطق حایل ایجاد کنند. در سوی دیگر، مقام‌های اروپایی به دخالت مستقیم در بسیاری از کشورهای جهان سومی مبادرت کرده‌اند. همچنین، کارمندان اداره مهاجرت هلند، در فرودگاه نایروبی مستقر شده‌اند تا پناهندگان احتمالی از کشورهای سومالی را غربال و آن‌ها را به ارودگاه‌های کمیساریای عالی پناهندگان در شمال کنیا بازگردانند. آن اقدام به اقدام‌های مداخله‌گرانه بسیاری از کشورهای غربی در مناطق پناهنده‌زا شبیه است که این کار را با کنترل نقل و انتقالات متقاضیان پناهندگی (سیاسی) یا با همکاری دیگر نهادها (نظیر کمیساریای عالی پناهندگان و نهادهای نظارتی مانند سازمان‌های غیر دولتی) انجام می‌دهند (مارفلیت، ۱۳۸۰: ۸۹-۸۸).

با توجه به حجم عظیم پول‌های خرج شده، بیشتر کشورهای شمال نتیجه گرفتند که از ورود آوارگان و پناهندگان از طریق محدود ساختن روادید در این‌گونه کشورها جلوگیری کنند و فرودگاه‌ها را بر روی این‌گونه مهاجران ببندند و کمپانی‌های حمل و نقل متخلف را جریمه کنند تا بتوانند مهاجران را در کرانه‌های مرزی و در آب‌های بین‌المللی به بهترین روش کنترل کنند؛ تا نه تنها از مشکلات بالقوه پناهندگی بکاهند بلکه شمار و هزینه‌های تقاضای پناهندگی نیز کم شود (Loesher, ۲۰۰۱: ۱۷۸). در این شیوه سیاست-گذاری، حتی مقام‌های سیاسی کشورهای عضو نیز در امان نمانده‌اند. برای مثال، یکی از شرایط پذیرش یونان در اتحادیه، مسئولیت آن کشور در زمینه کنترل مهاجرت بود. دولت ایتالیا هشدار داد که مهاجرت غیرقانونی، راهی برای قاچاق و ورود سلاح و تروریست

است. نگرانی‌ها نیز اغلب به بالکان غربی و آلبانی به‌عنوان دروازه‌های ورودی اتحادیه معطوف است. در همین زمینه اسپانیا، ایتالیا و انگلستان درصدد کنترل مهاجرت غیر قانونی هستند (Gedds, ۲۱۶: ۲۰۰۵).

کشورهای عضو اتحادیه اروپا درصدد حذف کامل مرزهای میان خود نیستند بلکه می‌کوشند تا استانداردهای مشترکی را برای برقراری روادید بیومتریک راه‌اندازی کنند. این سامانه برای برخورد با مهاجران در سیستم شنکن به کار می‌رود که اثر انگشت و چهره‌نگاری به همراه اطلاعات فردی را در بر دارد؛ یعنی اروپا و آمریکا و دیگر کشورهای جهان به سوی بیومتریک جهانی که مبتنی بر سیستم IID است، می‌روند که با معاوضه اطلاعات مربوط به افراد از طریق شبکه‌های کامپیوتری و منابع اطلاعاتی صورت می‌گیرد (Lettics, ۹۵: ۲۰۰۵).

۳-۳- مرزهای کشورهای عضو نفثا

رفتارهای کنونی مقامات سیاسی و امنیتی ایالات متحده حاکی از آن است که این کشور، بسیار بیشتر از هر زمان دیگری نسبت به مدیریت مرزهایش جدی و حساس است. سیاست‌گذاران هم‌اکنون در تلاش‌اند تا به تقویت قوانین برای کاهش مهاجرت دست زنند. به همان اندازه که مهاجرت غیرقانونی تشدید می‌شود این‌گونه تلاش‌ها در مرز نیز تشدید می‌شود؛ یعنی دیالکتیک مهاجرت غیرقانونی و مدیریت مرز به تقویت مرز می‌انجامد (PapadeMotriou, ۱۹۹۸). برای مثال، به‌دلیل مهاجرت‌های غیرقانونی از مکزیک به آمریکا، دولت ایالات متحده به افزایش گشت‌زنی‌ها از ۵۱۷۶ مورد در ۱۹۹۶ تا ۱۰۰۰۰ مورد در ۱۹۹۷ دست زده است و نیز طرحی در راستای ساخت «دیواری سه‌لایه» در دست اجرا است تا از ورود مهاجران غیرقانونی جلوگیری به‌عمل آید (Knox, ۱۹۹۸: ۴۹۳). در همین راستا، از هر ۱۰۰ مهاجر غیرقانونی در حال عبور از مرز، ۸۶ نفر از آن‌ها به خانه‌هایشان بازگردانده می‌شوند. مرزهای مکزیک و آمریکا همانند مرزهای شمالی آمریکا به‌دلیل وجود تهدیدات امنیتی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. فناوری شناسایی، بازرسی مهاجران، بستن ادواری مرز و تحقیقات پی‌درپی و گسترده، حکایت از روندی



می‌کند که با فرضیه‌های سرزمین‌زدایی و مرززدایی در عصر جهانی شدن همخوانی ندارد. شرایط حاکم بر مرزهای سه کشور آمریکای شمالی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، الگوی بسیار مناسبی بر نوع مدیریت مرزهاست.

در مورد ایالات متحده، مرزهای هوشمند یکی از نوآوری‌ها برای تسهیل تجارت و کنترل و مراقبت از تروریست‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی، داروهای قاچاق و مهاجران غیرقانونی بوده است. هم‌اکنون این نوآوری باعث همکاری نزدیک آمریکا، مکزیک و کانادا در مبارزه با تروریسم شده است. گرچه مرزهای هوشمند مربوط به ورودی‌های مرز است، ولی این امر سبب مدیریت بهتر بر مرز نیز شده است (Ackleson, ۲۰۰۵). در سال‌های اخیر، نگرانی‌های روزافزون امنیتی شامل رشد مافیای جهانی و تروریسم باعث افزایش علاقه و تحقیق در مورد فناوری بیومتریک برای بازرسی‌های هویتی افراد شده است. این فناوری با تقاضای زیاد مورد توجه قرار گرفته است که خود به معنای پرکردن شکاف روش‌های سنتی مرز در عصر جهانی شدن شده است (Thomas, ۲۰۰۵). این در حالی است که به کارگیری فناوری سبب تقویت مرز و کارآیی مدیریت آن نیز شده است (kouri, ۲۰۰۵). در این زمینه بوش بر این باور بود که ما می‌خواهیم از فناوری‌مان استفاده کنیم تا به کسانی که شهروندان واقعی ایالات متحده هستند، این اطمینان را بدهیم که ما درصدد اخراج تروریست‌ها و گرگ‌های صحرایی [=قاچاقچیان] از کشورمان هستیم. در همین زمینه او ۱۲۵ میلیون دلار را برای آزمایش و خرید فناوری و ۵۱ میلیون دلار را در زمینه تقویت سنسورها و تجهیزات ویدیویی برای سال ۲۰۰۵ اختصاص داد. (USAToday, ۲۰۰۵) تام ری‌دج به‌عنوان یکی از اعضای کنگره معتقد است که ما در مورد این وسایل بسیار جدی هستیم؛ هم در دریا و هم در خشکی. همچنین صدها مایل از این مناطق به دورین، سنسورها، تجهیزات ارتباطی و... مجهز است. ضمن اینکه با موفقیت آمیز بودن استفاده از این تجهیزات در جنگ با افغانستان و عراق، کارآیی آن‌ها در مرز نیز از سوی همگان پذیرفته شده است.

در حالی که گارد ساحلی در حال تحقیق برای بالابردن این فناوری در کشتی‌هایش است، این‌گونه جریان‌ها و مراقبت‌های فضایی و مرزبندی دوباره، حکایت از سرزمین‌سازی مجدد آمریکا می‌کند (Coleman ۲۰۰۳). این فناوری که برخلاف مواد حقوق بشر نیز هست، مهاجرت را به مثابه جرم می‌بیند. ابعاد بیومتریک از مهاجرت غیرقانونی جلوگیری می‌کند و این مهاجران به دلیل ترس از تروریسم، بسیار مورد بازرسی قرار می‌گیرند (Thomas ۲۰۰۵). بنابراین، مقامات ایالات متحده، خواهان ایجاد مرزهای هوشمند هماهنگ با توسعه تجارت در عصر جهانی‌شدن هستند تا این کشور را از خطر حمله‌های تروریستی، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق دارو و دیگر کالاها حفظ کنند. طرح یادشده (مرزهای هوشمند) شامل تصویربرداری از کالاها و تجاری در هنگام عبور از مرز بود. چنین سامانه تازه‌ای برای آزمودن کالاها در ایالات متحده به کار برده شد. این سامانه طراحی شده ابتدا مواد منفجره را تشخیص می‌داد و همچنین ظرفیت تشخیص مواد مخدر در وسایل نقلیه را نیز داشت. این سامانه بر مبنای سیستم اشعه ایکس بود که درصد خطای بسیار کمی داشت و به مدتی بسیار طولانی پایدار می‌ماند.

کنگره برای تقویت کنترل مرز در سال ۲۰۰۲ قوانین مهاجرتی را تعریف کرد که به فناوری اطلاعات ارتباط داشت. این امر، با همکاری دستگاه‌های دولتی امکان‌پذیر می‌شد. در گذشته تقسیم اطلاعات میان دستگاه‌های دولتی پیچیده بود، اما امروزه ذخیره اطلاعات و البته تقسیم آن کار آسانی است؛ به‌ویژه زمانی که نقش فناوری در میان باشد. زمانی که تهدید مهاجرت مطرح باشد، اطلاعات در مرکز اطلاعات ملی تحت نظر اف. بی. آی که بزرگترین منبع اطلاعات کشور است، در اختیار افسران پلیس قرار می‌گیرد. این فناوری در نواحی مرزی استفاده می‌شود. اداره اقامت و مهاجرت از این فناوری برای بازگرداندن افراد مقیم غیر مجاز استفاده می‌کند.

به هر حال فناوری اطلاعات شامل ابزارهای IT است که اطلاعات مربوط به اشخاص را از راه شبکه، در اختیار دستگاه‌های دولتی و سرویس‌های اطلاعات و افسران پلیس قرار می‌دهد. گفته می‌شود که این فناوری، ابزاری برای سالم‌تر ماندن آمریکایی‌هاست. به هر



حال از فناوری‌های باارزش است؛ چنان که دولت‌ها به صورت روزافزون از آن برای تأمین نیازهای امنیتی جامعه در عصر ترور استفاده می‌کنند (Ackleson, ۲۰۰۳).

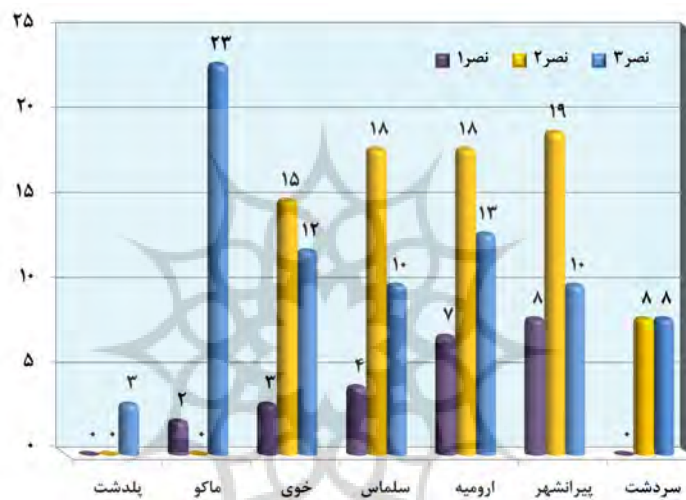
۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- مرزهای استان آذربایجان غربی و تشدید اقدام‌های کنترلی

بدون تردید، میزان اثرگذاری رخداد تحولات در مرزهای استان آذربایجان غربی، به اندازه‌ای گسترده است که برای کاوش در زوایای آن، نه تنها باید در ابعاد سیاسی - امنیتی و اقتصادی - اجتماعی یکایک شهرهای استان آذربایجان غربی بلکه باید بدون اغراق، در دیگر مناطق و استان‌های کشور، به رصد این تحولات پرداخت. به عنوان مثال، ورود مشروبات الکلی از مرزهای استان آذربایجان غربی، صرفاً برای پاسخگویی به تقاضاهای ناهنجار برخی افراد در داخل استان صورت نمی‌گیرد بلکه ریشه این تقاضای ناهنجار را باید در دیگر استان‌های داخلی نیز جست‌وجو کرد. ورود پوشاک و لوازم خانگی از مرزهای استان، بر بازار فروش و سازوکار یک تولیدکننده در استان و مهمتر از آن در بُعد ملی، تأثیر بسیار ویرانگری بر جای می‌گذارد یا این که ورود عناصر مخالف نظام و گسترش فعالیت‌های آنان در مرزهای استان، کل سیستم امنیتی کشور را با چالش مواجه می‌کند.

به طور کلی، بر اساس مشاهدات و اطلاعات دریافتی از نهادهای انتظامی و امنیتی، مرزهای استان آذربایجان غربی با دو معضل و مشکل بزرگ مواجه هستند؛ رفت و آمد غیر مجاز و قاچاق. بر اساس اعلام اداره اتباع خارجه نیروی انتظامی استان، ۴۱/۲۵ درصد ورود و خروج اتباع ایرانی در سال ۱۳۸۳، از گذرگاه‌ها و خلاءهای مرزی استان آذربایجان غربی بوده است. ۱۱/۳ درصد جعل گذرنامه و روادید مخدوش ایرانی، مربوط به آن استان بوده است. در بخش قاچاق نیز استان آذربایجان غربی از معابر اصلی ورود و خروج غیرقانونی کالا محسوب می‌شود. قاچاق مشروبات الکلی به داخل کشور و قاچاق فرآورده‌های نفتی به خارج از کشور، رایج‌ترین فعالیت اقتصاد غیررسمی در مرزهای استان است.

به این منظور، [تیروهای] مرزبانی و انتظامی استان آذربایجان غربی، از خرداد سال ۱۳۸۶، اقدام به طراحی و اجرای طرح انسداد و تشدید اقدامات کنترلی در مرزهای استان برای کاستن از تبعات منفی مرزهای باز و بدون کنترل در استان آذربایجان غربی کرد. در مرحله نخست (نصر ۱)، شمار ۲۴ خلاء مرزی، در مرحله دوم (نصر ۲)، شمار ۷۸ خلاء مرزی و در نهایت در مرحله سوم (نصر ۳)، شمار ۷۹ خلاء مرزی مورد شناسایی قرار گرفت و اقدام‌هایی برای کنترل و انسداد آن‌ها انجام شد (نمودار ۱).



نمودار ۱: عملکرد واحدهای هفت گانه هنگ‌های مرزی استان آذربایجان غربی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹

(منبع: آرشیو مرزبانی استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۹)

۴-۲- نتایج طرح انسداد در خطوط مرزی

مقابله با روند لجام گسیخته قاچاق کالا و کنترل رفت و آمد مرزی غیرمجاز افراد و گروه های ضد انقلاب، دو هدف عمده از اجرای طرح انسداد و تشدید اقدامات کنترلی در خطوط مرزی استان آذربایجان غربی محسوب می‌شدند. در بخش قاچاق، برپایه آمار یافته‌های گزارش شده از سوی هنگ‌های مرزی و انتظامی شهرستان‌های استان، روند کلی



قاچاق کالا به ویژه در چهار کالای اصلی مورد بررسی (مشروبات الکلی، سوخت، سلاح و فرآورده های دخانی) رو به کاهش است (جدول ۱).

جدول ۱: عملکرد یگان های انتظامی و مرزبانی استان آذربایجان غربی در کنترل روند قاچاق در قبل و بعد از اجرای طرح انسداد

مشروبات الکلی (قوطی)						
۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	درصد تغییر سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳
۱۱۵۵۱۶۸	۱۳۵۳۴۳۰	۱۶۵۶۹۲۴	۱۵۵۶۳۲۵	۱۰۷۶۳۵۸	۷۷۶۷۵۳	-۳۲.۷۶
دخانی های (پاکت) فرآورده						
۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	درصد تغییر سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳
۴۱۴۵۷۷۵	۲۲۵۸۶۷۷	۳۳۱۹۸۸۵	۴۰۳۶۵۲۵	۳۰۴۶۳۰۴	۵۴۸۲۵۴۵	+۲۴.۳۸
اسلحه (قبضه)						
۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	درصد تغییر سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳
۲۸۰۴	۲۵۲۰	۲۳۶۰	۱۹۶۶	۱۳۴۹	۱۴۸۷	-۸۸.۵۷
فرآورده های سوختی (لیتر)						
۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	درصد تغییر سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳
۴۷۵۲۵۷۸	۹۴۰۹۸۴۱	۱۷۶۸۶۹۱۸	۴۶۸۴۶۷۴	۴۰۲۱۹۰۱	۲۸۳۲۶۰۲	-۶۷.۷۸

(منبع: اداره قاچاق کالا و ارز، پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۹)

اما بخش مهم دیگر از اهداف تعریف شده برای طرح انسداد مرزی، کنترل شرایط امنیتی منطقه و مقابله با گسترش از مرزهای این استان به داخل کشور است. بدون تردید، مشاهده پیشینه تاریخی چالش های امنیتی این منطقه و ذهنیت منفی هر شهروند ایرانی به ویژه مردم استان آذربایجان غربی از اوضاع امنیتی این منطقه در سال های گذشته، گواهی بر [نیاز به] بازنگری در شیوه های کنترلی مرزهای این استان است. مرزهای استان آذربایجان غربی را به لحاظ تجربه ناامنی از سوی گروه های قوم گرای کرد به دو بخش جغرافیایی می-توان تقسیم کرد:

- ۱) تمرکز فعالیت حزب دموکرات کردستان عراق در محدوده مناطق مرزی شهرستان‌های اشنویه، پیرانشهر و سردشت (هم‌مرز با کشور عراق) در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی.
- ۲) تمرکز فعالیت پ.ک.ک و پژاک در محدوده مناطق مرزی شهرستان‌های شمالی استان (هم‌مرز با کشور ترکیه) در دو دهه اخیر.

اما حضور شبانه‌روزی نیروها در مرزهای استان، احداث موانع و کنترل‌های مقطعی در کنار به کارگیری شیوه‌های مختلف اطلاعاتی، تأثیر بسیار زیادی در محدود شدن میزان فعالیت این گروه‌ها در مناطق مرزی مورد مطالعه داشته است. عقب‌نشینی از خطوط مرزی به عمق مناطق مرزی کشورهای همسایه از جمله کردستان عراق، تنگناهای شدید مالی این گروه‌ها در نتیجه کاهش محسوس در میزان قاچاق برخی کالاها چون مشروبات الکلی، همکاری مشترک نیروهای امنیتی و نظامی دو سوی مرز (به‌ویژه ایران و ترکیه) و فرسایش روانی ناشی از طولانی شدن نبردهای چریکی در میان این نیروها، از جمله تأثیرات مثبت اجرای طرح انسداد و کاهش اثرات منفی ناشی از اقدام‌های آنان در میان مرزنشینان و نیروهای امنیتی و نظامی بوده است.

۴-۳- نتایج طرح انسداد در پسرکانه‌های مرزی

نتایج ناشی از اجرای طرح انسداد در مناطق و پسرکانه‌های مرزی نشان می‌دهد که مرزنشینان و حتی شهروندان مناطق عمقی با تشدید اقدام‌های کنترلی در مرزهای استان، دچار نوعی نارضایتی از چنین وضعیتی هستند؛ چرا که این اقدام، برهم‌زننده مناسبات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی میان دو سوی مرز شده است. البته بیشترین حجم نارضایتی، ناشی از تزلزل در بنیان‌های اقتصادی شکل گرفته در میان مردم مناطق مرزنشین است. این نارضایتی اقتصادی در میان شهروندان مناطق مرزی از اجرای طرح انسداد، ناشی از عوامل زیر است:

- کاهش در حجم مبادلات کالا؛
- کاهش سود حاصله از این مبادلات؛



- اجبار به رسمی شدن مبادلات از معابر مشخص؛
 - افزایش قیمت تمام شده به دلیل مسدود شدن مسیرهای قاچاق و اجبار به آمدوشد؛ رسمی از گذرگاه‌های تعیین شده به وسیله مرزبانی یا از راه مبادی گمرکی؛
 - نبود معابر رسمی و قانونی در برخی از شهرستان‌های مرزی و انسداد مسیرهای قاچاق.
- اگر چه تلاش زیادی از سوی برخی هنگ‌های مرزی برای جایگزین کردن شیوه‌های دیگر از جمله کارت‌های رفت و آمد مرزی به انگیزه جلوگیری از اختلال در نظم اقتصادی شهروندان مناطق مرزی صورت گرفته است، اما مشاهدات نگارنده از چگونگی صدور، استفاده و نتایج حاصله از این کارت‌ها، نشانگر برخی مشکلات اساسی در این ارتباط است و چشم‌انداز امیدبخشی از تداوم این وضعیت را نشان نمی‌دهد. ایرادات وارده بر این اقدام مرزبانی و هنگ‌های مرزی استان، شامل مواردی چند است؛
- ایجاد گمان کارآفرینی هنگ‌های مرزی در میان مردم مناطق مرزی و حتی مسئولان اجرایی این مناطق؛
 - صدور گزینشی و حتی سفارشی در بخش قابل توجهی از این کارت‌های تردد مرزی؛
 - جریان یک‌سویه کالا در ارتباط با استفاده از این کارت‌ها؛
 - نبود زمینه‌های پرسنلی و تجهیزاتی لازم برای کنترل کالاهای وارده؛
 - ناکافی بودن درآمد دارندگان این کارت‌ها و مبادرت به قاچاق به ویژه در شب‌هنگام.
- در کنار وجود چنین شرایط و مشکلاتی در استفاده از کارت‌های تردد مرزی، دیگر نهادها و سازمان‌های دولتی نیز به حداکثر بهره‌برداری از شرایط مرزی خود اقدام می‌کنند. اخذ امتیاز بازارچه مرزی، مجوز، گشایش گمرک و... از جمله اقدام‌ها و گزینه‌های معمول در میان مسئولان و مدیران این شهرستان‌های مرزی برای حداکثر استفاده از موقعیت مرزی‌شان است. به‌عنوان مثال، بخش قابل توجهی از نظام برنامه‌ریزی و اعتبارات اختصاص

یافته به شهرستان پیرانشهر و ماکو، متوجه توسعه زیرساخت‌های مربوط به گمرک و بازارچه این شهرستان شده است و سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی صورت گرفته در این مناطق، عمدتاً متمرکز بر این بخش‌هاست. بهانه بزرگ یا دلیل دست‌اندرکاران و مدیران این مناطق برای اخذ چنین امتیازهایی و استفاده از موقعیت مرزی‌شان، جلوگیری از قاچاق کالا، مقایسه خود با شرایط آن‌سوی مرز، توسعه‌نیافتگی و فقر زیرساخت‌ها در دیگر بخش‌های اقتصادی است.

نتیجه چنین اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولان محلی و هنگ‌های مرزی برای ترمیم مناسبات اقتصادی آسیب‌دیده ناشی از عدم توجه به مقوله توسعه این مناطق در گذشته و تشدید اقدام‌های کنترلی در مرزهای استان را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

- افزایش تعداد شاغلان در بخش خدمات از جمله عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و دیگر بخش‌های غیرتولیدی؛
- افزایش شدید محصولات خارجی در بازارهای شهرستان‌های مرزی و گسست از تولیدات میهنی؛
- تمرکز غالب فعالیت‌ها و اعتبارات عمرانی بر اقتصاد خدماتی و غیرمولد؛
- نبود نوآوری در کارآفرینی بخش‌های خصوصی برای توسعه فعالیت‌های تولیدی؛
- تمرکز نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی شهرستان‌های مرزی بر اقتصاد خدماتی مرزی.

به منظور روشن شدن ابعاد این مسأله، توجه به شمار شاغلان شهرستان‌های مرزی در بخش خدمات و مقایسه آن با شهرستان‌های غیر مرزی، بیانگر درستی ادعاهای یادشده خواهد بود. بر اساس داده‌های جدول ۲، درصد اشتغال به کار فعالان اقتصادی شهرستان‌های منتخب مرزی در بخش خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تنها به‌عنوان یکی از بخش‌های چهارده‌گانه بخش خدمات، بیشتر از میانگین استانی و شهرستان‌های منتخب



غیرمرزی است. این در حالی است که وضعیت اشتغال به کار فعالان اقتصادی همین شهرستان‌های منتخب مرزی در بخش صنعت، پایین‌تر از میانگین استانی و شهرستان‌های منتخب غیرمرزی است. اگر چه در بخش کشاورزی نیز، وضعیت اشتغال به کار فعالان اقتصادی برخی از شهرستان‌های غیرمرزی چون پیرانشهر و سلماس، بالاتر از میانگین استانی است، اما همه شهرستان‌های منتخب مرزی، به لحاظ اشتغال به کار فعالان اقتصادی آن‌ها در بخش کشاورزی، پایین‌تر از اشتغال به کار فعالان اقتصادی در شهرستان‌های غیرمرزی است. این مسأله نشانگر آن است که افزایش روزافزون جاذبه‌های شغلی عمدتاً غیرمولد و کاذب اقتصاد مبادلاتی مرزی، ذهن مسئولان، برنامه‌ریزان، سرمایه‌گذاران و شهروندان مناطق و شهرستان‌های مرزی را از دیگر بخش‌های اقتصاد، منحرف کرده است.

جدول ۲: مقایسه میزان اشتغال شهرستان‌های مرزی و غیرمرزی در بخش‌های خدماتی با بخش‌های کشاورزی و صنعتی در سال ۱۳۸۷

شهرستان	موقعیت شهرستان	درصد اشتغال در بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (به‌عنوان یکی از زیربخش‌های چهارده‌گانه بخش خدمات)	کشاورزی	صنعت
کل استان	-	۱۳/۳۳	۲۹/۵۲	۱۲/۵۸
پیرانشهر	مرزی	۱۳/۵۰	۳۳/۲۰	۷/۵۴
سردشت	مرزی	۱۳/۸۹	۲۸/۹۴	۶/۱۱
سلماس	مرزی	۱۱/۶۵	۳۷/۱۴	۸/۸۶
تکاب	غیر مرزی	۹/۲۱	۳۴/۵۳	۲۲/۲۲
شاهین‌دژ	غیر مرزی	۸/۲۸	۳۵/۲۰	۱۶/۸۲
میاندوآب	غیر مرزی	۱۱/۸۵	۳۸/۶۱	۱۱/۳۳

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷)

فارغ از جذابیت مشاغل خدماتی و مبادلات مرزی در شهرستان‌های مرزی، تمایل نه‌چندان زیاد ساکنان این مناطق به‌ویژه نقاط روستایی به مشاغل تولیدی از جمله کشاورزی و دامداری، کاملاً مشهود است. نگارنده در بازدید از برخی مناطق روستایی شهرستان پیرانشهر، آشکارا

شاهد این روابط متناقض [میان] مشاغل تولیدی و غیرتولیدی بوده است. در برخی از نقاط روستایی، محل نگهداری دامها، تبدیل به انبار دپوی سوخت و لوازم قاچاق این فرآورده شده است. چنین به نظر می‌رسد که تشدید اقدامات کنترلی طرح انسداد، به همان اندازه که باعث انسداد مسیرهای قاچاق شده است، به همان نسبت هم منجر به اختلال در نظام معیشت سنتی ساکنان مناطق روستایی نیز شده است و در این باره، ساکنان مناطق مرزی، چاره‌ای جز انتخاب مسیر اقتصاد غیررسمی برای گذران زندگی خود نمی‌بینند. چرا که روستاییان مناطق مرزی به ویژه افراد جوان، اقدام به ترک مشاغل کشاورزی و دامداری به دلیل سختی کار، در آمد پایین و سطح پایین رفاه می‌کنند و مسیر قاچاق را برای گذران زندگی برمی‌گزینند. از این روی، دست‌اندرکاران اجرای طرح انسداد، به لحاظ ملاحظات امنیتی، با اقدام به تخلیه اجباری برخی روستاها و اجرای محدودیت‌های شدید در رفت‌وآمد کشاورزان و دامداران در منطقه ممنوعه مرزی، منجر به افزایش ناخواسته جذابیت در دیگر بخش‌های اقتصادی شده‌اند.

از مجموع ۱۴ شهرستان استان در سال ۱۳۸۷، سه شهرستان مرزی چالدران، سردشت و سلماس، هر کدام به ترتیب با ۱۵/۹۸، ۱۲/۰۱ و ۱۱/۸۹ درصد از مجموع روستاهای خالی از سکنه، در رتبه‌های یکم تا سوم استانی قرار دارند. نکته نگران‌کننده در ارتباط با مسأله تخلیه اجباری یا ناشی از تشدید محدودیت‌ها در مناطق مرزی استان، سرعت شتابان تخلیه روستاها در شهرستان‌های مرزی در مقایسه با شهرستان‌های غیرمرزی است. به‌عنوان مثال، ۱۰ و ۱۱ برابر شدن تعداد روستاهای خالی از سکنه دو شهرستان مرزی سلماس و پیرانشهر در سال ۱۳۸۷ در مقایسه با سال پایه ۱۳۸۰، نشانگر این شرایط نامطلوب است (جدول ۳).

به‌طور کلی، گسترش فعالیت‌های خدماتی و غیرمولد در شهرستان‌های مرزی و به‌ویژه در آن دسته از شهرستان‌های مرزی که بازارچه مرزی، گمرک و گذرگاه‌های رسمی مبادله کالا، بخش مهم اقتصاد آن مناطق را تشکیل می‌دهد، از اهمیت بالایی برخوردار است. گرایش به این مشاغل به‌ویژه در میان نیروی جوان، جذابیت زیادی دارد. با وجود مبادرت به مشاغل تولیدی از جمله کشاورزی و دامداری در میان نیروی کار مناطق روستایی، گرایش به شغل دوم (و البته قاچاق) نیز معمول و رایج است. به‌دلایلی چون



سختی و درآمد پایین مشاغل اولیه، آشنایی چندین ساله با شیوه‌های کسب درآمد از طریق قاچاق، درآمد بالای چنین فعالیت‌های به ظاهر اقتصادی و مهمتر از همه، تلقی نوعی کسب حلال از قاچاق در میان طیف اکثریت جامعه مورد مطالعه، تحقق کامل اهداف طرح انسداد در مناطق مرزی مورد بررسی را با مشکل مواجه کرده است.

جدول ۳: مقایسه تعداد روستاهای خالی از سکنه در شهرستان‌های مرزی و غیرمرزی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷

نسبت تغییر از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷	درصد تخلیه نسبت به کل روستاها در سال ۱۳۸۷	۱۳۸۷	۱۳۸۰	موقعیت جغرافیایی	شهرستان
۴/۶۳	۵/۵۳	۳۷	۸	مرزی	ارومیه
۷	۷/۹۵	۷	۱	مرزی	اشنویه
۶	۹/۱۳	۱۸	۳	غیر مرزی	بوکان
۱۰	۱۱/۱۱	۲۰	۲	مرزی	پیرانشهر
۱	۰/۹۷	۱	۱	غیر مرزی	تکاب
۲/۵	۱۵/۹۸	۳۵	۱۴	مرزی	چالدران
۲/۷۱	۵/۷۹	۱۹	۷	مرزی	خوی
۴/۱۱	۱۲/۰۱	۳۷	۹	مرزی	سردشت
۱۱	۱۱/۸۹	۲۲	۲	مرزی	سلماس
۴/۶۶	۸/۷۵	۱۴	۳	غیر مرزی	شاهین‌دژ
۲	۵/۱۷	۱۲	۶	مرزی	ماکو
۵/۶	۱۱/۸۱	۲۸	۵	غیر مرزی	مهاباد
۴	۱/۹۵	۴	۱	غیر مرزی	میاندوآب
۷	۹/۴۰	۷	۱	غیر مرزی	نقده

(منبع: معاونت برنامه و بودجه استانداری آذربایجان غربی، ۱۳۸۷)

۴-۴- آسب‌شناسی طرح سه مرحله‌ای انسداد

۱) **کاستی‌های اطلاعاتی** (ضعف اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای در باره مناطق و خطوط مرزی، عدم آگاهی کامل اطلاعاتی کارکنان هنگ‌های مرزی استان به ویژگی‌های محیطی و انسانی حوزه استحفاظی خود، سطح پایین مبادله مستقیم اطلاعات میان بخش‌های اطلاعاتی هنگ‌های مرزی استان با نیروهای امنیتی و نظامی سه کشور عراق، ترکیه و آذربایجان، ضعف پشتیبانی اطلاعاتی نیروهای امنیتی و نظامی با سابقه حضور طولانی در منطقه از بخش‌های اطلاعاتی هنگ‌های مرزی).

۲) **محدودیت‌های تجهیزاتی** (سختی نداشتن تجهیزات مستقر در واحدهای عملیاتی با فناوری‌های مدرن به کار گرفته شده در کنترل‌های مرزی، ناآشنایی کارکنان هنگ‌ها در استفاده از تجهیزات مدرن کنترلی، تنگناهای زیاد هنگ‌های مرزی برای تهیه، استقرار و مراقبت از دوربین‌های حرارتی، شرایط بسیار ابتدایی و فقر تجهیزاتی برای کنترل کالاهای همراه اشخاص (مانند استفاده از دستگاه‌های X-REY، ضعف تجهیزاتی مربوط به واکنش سریع به حوادث و رویدادهای آنی در هر بخش از حوزه استحفاظی هنگ‌های مرزی (همچون درگیری نیروها، آلوده شدن فاجاقچیان یا حضور اشرار)، شناخته شدن توان ضعیف تجهیزات نظامی هنگ‌های مرزی برای فاجاقچیان و گروه‌های معارض، وابستگی شدید هنگ‌های مرزی به ادارات و سازمان‌های دولتی در استقرار تجهیزات نظارتی و کنترلی در مرز و معابر حساس مرزی، کمبود پوشش تجهیزاتی در مسیرهای تردد فاجاق و اشرار، ضعف تجهیزات امدادی و اورژانسی، تفریحی، زیستی و... در بسیاری از زیربخش‌های هنگ‌های مرزی).

۳) **محدودیت‌های پشتیبانی** (ابهام در جایگاه سازمانی مرزبانی در اذهان کارکنان آن، پایین آمدن زمینه‌های مسئولیت‌پذیری دیگر نیروهای امنیتی و نظامی از جمله سپاه، ارتش و حتی نیروی انتظامی پس از واگذاری حراست از مرزهای استان به مرزبانی، سطح پایین همکاری میان هنگ‌های مرزی استان و استان‌های همجوار با مرز ایران در سه کشور ترکیه، عراق و آذربایجان و تأثیر آن در اقدام‌های نیروهای مستقر در مرزهای این کشورها برای



کمک به هنگ‌های مرزی ایران در مواقع اضطراری، نبود زیرساخت‌های لازم در خطوط مرزی یا نامناسب بودن این زیرساخت‌ها و تأثیر منفی آن در برقراری ارتباطات تسهیل در اقدامات پشتیبانی میان هنگ، گروهان‌ها، پاسگاه‌ها و برجک‌های مرزی).

۴) **مشکلات نیروی انسانی** (کمبود محسوس کارکنان/افسران در زیربخش‌های هنگ‌های مرزی، نبود زمینه‌های علمی و دانشگاهی برای پرورش کارکنان متخصص و کارآمد، مشاهده سستی در اجرای قوانین و مقررات در میان برخی از کارکنان هنگ‌ها به دلیل دوری از کنترل‌های معمول ستادی، ضعف بخش‌های آموزشی هنگ‌های مرزی، رواج روحیه مدارا در میان برخی کارکنان هنگ‌ها).

۵) **محدودیت‌های روابط فرامرزی** (سطح پایین تفاهم‌نامه‌های مرزی میان هنگ‌های مرزی و کشورهای همسایه، طولانی شدن روند رسیدگی به مسائل داخلی، ضعف در اجرای رزمایش‌های مشترک یا عملیات‌های همزمان نیروهای دو سوی مرز، نبود زمینه‌های شکل-گیری فضای اعتماد در میان هنگ‌های مرزی به‌عنوان سرپرست امور مرزی کشور و نیروهای امنیتی و نظامی مستقر در مرزهای سه کشور همسایه نسبت به اقدام‌ها و تدابیر همدیگر، نبود زمینه‌های اختیارات لازم به فرماندهان هنگ‌های مرزی از سوی مقام‌های سیاسی و نظامی استانی و کشوری برای رفع موانع و مسائل موجود در میان هنگ‌های مرزی و کشورهای همسایه، نبود اشراف اطلاعاتی هنگ‌های مرزی در برابر تحولات امنیتی-سیاسی و اجتماعی-اقتصادی آن سوی مرز).

اما گذشته از مشکلات و کاستی‌های مورد اشاره درون‌سازمانی، بخش قابل توجه دیگری از مشکلات موجود در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی، ارتباط مستقیم یا غیرمستقیمی با اقدام‌ها و سیاست‌های برون‌سازمانی (یعنی خارج از چارچوب قانونی مرزبانی و انتظامی) دارد. در این زمینه می‌توان به ناکارآمدی قوانین و مقررات، ضعف در عملکرد مدیران محلی، ضعف در عملکرد مسئولان استانی و مرکز اشاره کرد. محدودیت‌ها و مشکلات موجود در جامعه مورد مطالعه، تشدیدکننده مشکلات مطرح در

بخش‌های درون و برون‌سازمانی است. موانع سیاسی، اقتصادی و ناهنجاری‌های فرهنگی، بخشی از این عوامل تشدید کننده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری و راهبردهای پیشنهادی

به‌طور کلی، مدیریت و سیاست‌گذاری بر روی خطوط مرزی و پست‌خانه‌ها یا مناطق مرزی، دربردارنده شرایط و مقتضیاتی است که تفکیک این دو از هم، باعث بروز پیامدهای منفی در یکی از این دو بخش خواهد شد. به‌عنوان مثال، اقدام‌های مرزبانی و نیروی انتظامی، در جایگاه سرپرست اصلی کنترل و نظارت بر خطوط مرزی، در صورت نبود همراهی و همسویی اقدام‌ها و سیاست‌گذاری‌های دیگر نهادها و سازمان‌های درگیر در مسائل جوامع مرزی، نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت.

از مجموع موارد مطرح شده در بخش قاچاق و مقابله با اقدام‌های گروه‌های معارض به عنوان دو هدف اصلی مرزبانی استان آذربایجان غربی در اجرای طرح سه‌مرحله‌ای انسداد در خطوط مرزی چنین نتیجه گرفته می‌شود که روند کلی سه‌ساله در اجرای این طرح، حاکی از اثرگذاری مثبت آن بوده است. اگر چه به بخش‌هایی از ضعف در عملکرد هنگ‌های مرزی اشاره شد، اما با احتساب اقدام‌های پرسنلی، پشتیبانی، تجهیزاتی و... صورت گرفته در ایجاد هنگ‌های مرزی در بیشتر شهرستان‌های استان و اجرای طرح پرهزینه انسداد و با لحاظ قرار دادن تداوم و حتی گسترش این اقدامات، به‌دلیل نتایج مثبت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی-امنیتی این نوع فعالیت‌ها برای مرزنشینان، شهرستان‌های مرزی و کشور، ضرورت آن احساس می‌شود. بدون تردید، از طرحی با چهارسال سابقه در یک پهنه جغرافیایی گسترده و با انواع شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیچیده در داخل و بیرون از مرز، نمی‌توان انتظار تحول اساسی در همه بخش‌ها را داشت. اگر چه ضعف در عملکرد و وقوع پیامدهای منفی برای مرزنشینان در پست‌خانه‌ها و مناطق مرزی آشکار بوده است، اما نمی‌توان از نتایج مادی و معنوی این طرح برای کشور و نظام نیز غافل بود. به‌عنوان مثال، تلاش چندین ساله دولت در داخل برای حذف یارانه‌های



اختصاصی به بخش انرژی از یک سو و قاچاق این کالا به خارج از کشور از سوی دیگر، دو سوی یک بردار را تشکیل می‌دهند که هر گونه برنامه‌ریزی در بخش نخست با سستی در بخش دوم، به‌بار نخواهد نشست. تنها مرزبانی استان آذربایجان غربی از سال ۱۳۸۵ (با کشف ۱۷۶۸۶۹۱۸ لیتر مواد سوختی) تا سال ۱۳۸۸ (با کشف ۲۸۳۲۶۰۲ لیتر مواد سوختی) باعث کاهش ۱۴۸۵۴۳۱۶ لیتر قاچاق سوخت به خارج از کشور شده است. شاید برخی این نکته را عنوان کنند که یکی از دلایل مهم در این کاهش، سهمیه‌بندی بنزین در داخل بوده است. البته نباید این مورد را از نظر دور نگه داشت اما غالب مواد سوختی مورد توجه قاچاقچیان سوخت، گازوییل است که محدودیت چندانی در دست‌یابی به آن در داخل کشور وجود ندارد. نرخ ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ تومان برای گازوییل و نرخ بالای ۲۰۰۰ تومان برای بنزین در کشور ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای همجوار استان، تحت هیچ شرایطی باعث کاهش در جذابیت قاچاق سوخت به این کشور نخواهد شد. از سوی دیگر، بازرگانان، شرکت‌ها، واحدهای بزرگ تولیدی و حتی سیاستمداران کشور ترکیه برای جبران بخشی از این خروج ارز از کشورشان، اقدام به برنامه‌ریزی برای تداوم روزافزون جریان کالاهای تولیدی این کشور به ایران خواهند کرد و استان آذربایجان غربی، گزینه بسیار مناسبی برای چنین اقدام رسمی (از طریق مبادی گمرکی) یا غیررسمی (از طریق مبادی قاچاق و غیررسمی) خواهد بود. بنابراین در صورت تداوم نیافتن طرح انسداد و تشدید اقدامات کنترلی در مرزهای استان، نظاره‌گر ورود آن بخش از کالاهایی خواهیم شد که یا از طریق مبادی رسمی (به‌دلیل ملاحظات امنیتی و سیاسی) قادر به وارد کردن آن به کشور نیستند یا به‌دلیل بالا بودن تعرفه‌های گمرکی و ملاحظات اقتصادی، اقدام به ورود غیرقانونی و قاچاق این کالاها به کشور می‌شود. با فعال شدن این بخش، باید منتظر افزایش فعالیت اشرار و گروه‌های معارض و رفت و آمدهای غیرمجاز مرزی نیز بود.

به این منظور و برای به‌کارستن نظارت و کنترل بیشتر بر رویدادهای خطوط و مناطق

مرزی، پیشنهادهایی در سطح درون و برون‌سازمانی در جدول ۱۴ ارائه می‌شود:



جدول ۴: راهبردهای پیشنهادی درون و برون‌سازمانی برای بهبود وضعیت خطوط و مناطق مرزی

نیازهای درون‌سازمانی	اطلاعاتی	جذب کارکنان متخصص برای تکمیل داده‌های پایه و اساسی از مناطق تحت مدیریت
		تشکیل هنگ‌های مرزی بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی موجود
		اقدام‌های اعتمادساز هنگ‌های مرزی استان با کشورهای همجوار
	تجهیزاتی	همکاری‌های اطلاعاتی با دیگر سازمان‌های نظامی و امنیتی مستقر در منطقه
		تأمین منابع مالی برای تهیه تجهیزات مدرن کنترلی در مرز
		تأمین منابع مالی برای تأمین امکانات زیستی، امدادی و اورژانسی، ارتباطی، تفریحی و...
	پشتیبانی	ترسیم چشم‌اندازی برای اجرای طرح مرزهای هوشمند
		بسترسازی برای تداوم فعالیت‌های پشتیبانی مسئولان از راه بازتاب مشکلات
		پاسخ مثبت هنگ‌های مرزی به درخواست‌های پشتیبانی مقام‌های مرزی کشورهای همجوار
	ضرورت‌های پرسنلی	ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی برای القای کنترل‌های دائمی و سریع به افراد جوامع محلی
		تکمیل چارت سازمانی هنگ‌ها
		پرورش نیروهای متخصص و متناسب با مأموریت‌های مرزی
	ضرورت‌های فرامرزی	برخورد با نیروهای متخلف برای تعالی سازمانی و افزایش بازدهی هنگ‌ها
		جابه‌جایی دوره‌ای نیروهای ستادی و عملیاتی
		احیای اقتدار کارکنان هنگ‌ها در اذهان مردم جوامع محلی
اصلاح قوانین و مقررات	توسعه همکاری‌های مشترک مرزی هنگ‌ها با مقام‌های امنیتی و نظامی مرزی کشورهای همسایه	
	همکاری‌های مشترک نظامی چون انجام رزمایش‌های مشترک یا عملیات‌های همزمان با طرف مقابل	
	پرهیز از اقدام‌های مقابله به مثل و رقابتی با کشور همجوار	
ضرورت‌های برون-سازمانی	رصد دقیق تحولات امنیتی-سیاسی و اجتماعی-اقتصادی آن‌سوی مرز	
	مشخص شدن جایگاه سازمانی مرزبانی و هنگ‌های مرزی استان در چارچوب نیروهای مسلح	
	تأمین منابع مالی مورد نیاز مرزبانی استان با توجه به حجم بالای کشفیات پیگیری نمایندگان شهرستان‌های مرزی در مجلس در باره تخصیص و هزینه-کرد اعتبارات اختصاصی به مناطق مرزی در قالب بودجه سالانه، برنامه‌های ۵	



ف. ن. د. و. ه. ن.	ضرورت‌های اطلاعاتی	جذب کارکنان متخصص برای تکمیل داده‌های پایه و اساسی از مناطق تحت مدیریت
		ساله، طرح‌های آمایش سرزمین و آمایش مناطق مرزی اصلاح و بازنگری اساسی در قوانین گمرکی و مقررات مربوط به بازارچه‌های مرزی
		اجبار قانونی دوایر نظارتی و مسئول شهرستان‌های مرزی از جمله اداره بازرگانی و تعزیرات به کنترل واحدهای صنفی و مبارزه با کالاهای قاچاق در این واحدها
		اختصاص اولویت به بررسی پرونده‌های قاچاق
	بهبود عملکرد مدیران محلی	اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی شهرستان‌های مرزی و از جذابیت انداختن اقتصاد مبادلاتی مرزی
		تمرکز بانک‌ها و بخش‌های مالی شهرستان‌های مرزی به بخش‌های تولیدی
		تقویت اعتقاد به اقدام‌های هنگ‌های مرزی در میان یکایک مدیران شهرستان‌ها
		تغییر در نگرش محض امنیتی نسبت به مسائل استان
	اصلاح عملکرد	تمرکز بر طرح‌های تولیدی شهرستان‌های مرزیدر بودجه‌بندی و اختصاص اعتبار به طرح‌های عمرانی در معاونت برنامه‌ریزی استانداری
	مسئولان استانی	اصلاح اقدام‌های بخش‌های اجرایی، رسانه‌ای، نظامی و امنیتی استان در قبال کشورهای همجوار
		ترمیم شکاف توسعه میان مرکز استان و شهرستان‌های دیگر استان

۶- قدردانی

این مقاله برگرفته از پروژه تحقیقاتی با عنوان مرزهای استان آذربایجان غربی: «بررسی پیامدهای اجرای طرح انسداد مرزی» است. به این وسیله از دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی و مرزبانی استان کمال تشکر را داریم.



منابع

- پرسکات، جان؛ گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر (۱۳۵۸)، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد اول، تهران: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشورها.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ سنجش درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تحلیل تاکسونومی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۳-۱۶۲.
- رفعت، آرام؛ راهبرد آمریکایی برای کردستان (۳)، ترجمه مهدی کاظمی (۱۳۸۶)، آدرس سایت اینترنتی (<http://www.bashgah.net/fa/content/show/۱۶۷۷۵>).
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)؛ مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- علی‌نقی، امیرحسین (۱۳۷۸)؛ داده‌هایی از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استان‌های مرزی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶-۵.
- مارفلیت، فیل (۱۳۸۰)؛ جهانی شدن و جهان سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۰)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- نش، کیت؛ جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت" ترجمه محمدتقی دلفروز (۱۳۸۰)، تهران: کویر.
- Ackleson, J (۲۰۰۳); security through Technology? Smart Border after September ۱۱th: Knowledge, Technology & policy, ۱۶(۱).
- Coleman, M (۲۰۰۳); The Naming of Terrorism and Evil Outlaws, Geopolitics, ۸ (۳).
- Do Amaral, ۱ (۱۹۹۴); New reflections on the theme of international boundaries, in C.H. Schofield (ed.) World Boundaries, Vol. I, Global Boundaries, London: Rout ledge, ۱۶-۲۲.
- Geddes, A (۲۰۰۵); Chronicle of a Crisis Fore Told, the British Journal of Politics & International Relations, ۷(۳).
- Knight, D. B (۱۹۸۲); Identity and territory: Geographical perspectives on nationalism and regionalism, Annals of the Association of American Geographers, ۷۲: ۵۱۴-۳۱.



- Knight, D.B (۱۹۹۴); People together, yet apart: Rethinking territory, sovereignty, and identities; in G. J Demko and W, E Wood (eds) Reordering the World: Geopolitical Perspectives on the. Twenty-First Century, Boulder, CO: West view Press, ۷۱-۸۶.
- Knox, p (۱۹۹۸); Places and Regions in Global Context: Human Geography; Prentice Hall.
- Kouri, J (۲۰۰۵); U.S customs and /Ability Protection Addresses VUINERA; www. MICNEWS.COM.
- Lettice, J (۲۰۰۵); Clash and bur a dreams? The register, Internet.
- Loesher, g (۲۰۰۱); Protection and Humanitarian Action in the Post Cold War Era, in Zolberg, A. R., ۲۰۰۱, Global Migrants, Global Refugees: Problems and solutions, New York, Brghahn Book.
- Minghi, J.V (۱۹۶۳b); Television preference and nationality in a boundary region; Sociological Inquiry, ۳۳(۲): ۱۶۵-۷۹.
- PapadeMotriou, D (۱۹۹۸); The U.S- Mexico Border, www.ceip.org.
- Thomas, R (۲۰۰۵); Biometrics, Migrants, and Human Rights, Migration Information source, Internet.